

عنوان مقاله:

تاملی در منظومه های «افسانه» نیما و «حیدربابایه سلام» شهریار از منظر رمانتیسم

محل انتشار:

دوفصلنامه تاریخ ادبیات، دوره 9، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

شیرزاد طایفی - دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی تهران

مهدی رضانی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

سمیه قربانپور - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

خلاصه مقاله:

ادبیات ملل مختلف در عین دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد، از جهاتی وجوه اشتراک عمده‌ای با هم دارند؛ چرا که در حوزه‌های گوناگون در تعامل با هم بوده و بر هم اثر گذاشته و از هم تاثیر پذیرفته‌اند. از جمله موضوعاتی که محور مطالعات متعددی قرار گرفته، مکتب‌های ادبی برخاسته از غرب و تاثیر آن بر ادبیات سرزمین‌های دور و نزدیک، از جمله ادبیات معاصر ایران است؛ چنان‌که شاعران و نویسندگان زیادی را تحت تاثیر قرار داده است. به طور مشخص، نیما و به تبعیت از او شهریار، به دلیل آشنایی با زبان فرانسه و مطالعاتی در آثار ادبی غربی، از مکاتب مختلف ادبی اروپا، به‌خصوص رمانتیسم تاثیر پذیرفته و آثار ماندگاری، از جمله «افسانه» و «حیدربابایه سلام» را به یادگار گذاشته‌اند. در پژوهش پیش‌رو کوشیده‌ایم با تکیه بر مطالعات اسنادی و با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوایی مبتنی بر استقرا به روش تطبیقی و بازخوانی دو شاهکار مذکور که به نوعی نماینده دو حوزه جغرافیای سیاسی و فرهنگی متفاوت هستند، به زمینه‌های بروز و حضور مولفه‌های مکتب رمانتیسم در این دو اثر بپردازیم. برآیند پژوهش نشان می‌دهد، هر چند فضای کلی حاکم بر هر دو اثر، رمانتیک است، اما این اصل در حیدربابایه سلام شهریار که متأثر از افسانه نیما است، جلوه و نمود بارزتر و محسوس‌تری دارد.

کلمات کلیدی:

نیما-شهریار-افسانه-حیدربابایه سلام-مکتب رمانتیسم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1289656>

